فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال پانزدهم، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۵۴
صفحات ۲۰۴ ـ ۱۸۵

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 15, Autumn 2018, No 54

واکاوی نقش آیت‌الله نائینی در جنبش مشروطیت و زمینه‌سازی تشکیل حکومت اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی وی

علیرضا زرگر*
جواد کیانی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تفکر آیت‌الله نائینی در مشروطه به عنوان زیربنای نظری حکومت اسلامی می‌باشد. چراکه ایشان نظام سیاسی مطلوب را فقط از نوع دینی آن می‌داند. آیت‌الله نائینی در زمان مصادره مشروطیت به حمایت از مشروطه می‌پردازد. ایشان معتقد است مشروطه، استبداد را محدود و حق حاکمیت مردم را افزایش می‌دهد. به این جهت تلاش برای قطعیت مشروطه می‌نماید. براین‌اساس این تحقیق با روش توصیفی و رویکرد تحلیل اسنادی به بررسی این موضوع می‌پردازد که چه رابطه‌ای بین اندیشه سیاسی آیت‌الله نائینی و شکل‌گیری حکومت اسلامی وجود داشته است؟ و اما پاسخی که نویسندگان برای این سؤال در نظر گرفته‌اند این است که آیت‌الله نائینی نظام سیاسی امامت شیعی را به‌عنوان نظام مطلوب سیاسی به جای سلطنت پادشاهی معرفی و نوع حکومت و حاکم را در دوران غیبت که حکومت اسلامی به‌دست ولی‌فقیه باشد را معرفی نمود.

واژگان‌کلیدی

آیت‌الله نائینی، مشروطیت، حکومت اسلامی، اندیشه سیاسی.

---

*. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین. a.zargar.1976@gmail.com
**. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین. kiani.javad2014@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۳۰ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۷/۲۶

طرح مسئله

از گذشته‌های دور، متفکرانی پیرامون حکومت اسلامی و مختصات آن در عصر غیبت مباحث و دیدگاه‌های راهگشایی پیش روی جامعه نهاده‌اند. در میان آنان، نام فقیه و اندیشمند سیاسی، به آنان اهمیت خاصی داده و رساله ویژه‌ای در مقوله حکومت اسلامی به یادگار نهاده و اندیشه و نظام سیاسی اسلام را بحث و بررسی کرده است. او آیت‌الله نائینی می‌باشد.

آیت‌الله نائینی از علمای نجف که نهضت مشروطه ایران را پشتیبانی کرده است، مؤلفه حکومت اسلامی در دنیای معاصر را تشریح و سعی نمود جایگاه مردم را در نظام اسلامی به‌گونه‌ای تبیین نماید تا ازیک‌سو، حاکمیت دین در جامعه لطمه نبیند و از سوی دیگر، آزادی‌های مشروع و مشارکت‌های حیات‌بخش جامعه محفوظ بماند.

بی‌تردید مطالعه اندیشه‌های علما و صاحب‌نظران اسلامی می‌تواند، ما را با قدر متیقن‌های نظام سیاسی اسلامی آشنا سازد. لازم به ذکر است که حکومت مشروطه که مورد حمایت آیت‌الله نائینی است، نظام سیاسی کاملاً مطلوب وی نیست اما در شرایط خاص سیاسی زمانه، بهتر از حکومت پادشاهی خودکامه قاجاریه برای ایران اسلامی و جایگزینی که امکان پیاده‌سازی با آن خفقان و اختناق آن زمان داشته باشد، می‌باشد. اساساً بحث از مشروطه در صورت عدم دسترسی به ولی معصوم یا فقیه جامع‌الشرایط مطرح می‌شود. یعنی وقتی دست مسلمانان از تشکیل حکومت اسلامی مطلوب کوتاه گردید، به ناچار نظام مشروطه بر نظام پادشاهی مطلق، ترجیح خواهد یافت، زیرا در نظام مشروطه، نظامی که قدرت پادشاه به رأی نمایندگان ملت مسلمان مقید گردیده و مصوبات آن مورد تأیید شورای فقها قرار می‌گیرد، مردم ظلم کمتری را متحمل می‌شوند، بنابراین تأیید آیت‌الله نائینی از مشروطه، یک تأیید اضطراری و به مقتضای خاص آن زمان می‌باشد.

آیت‌الله نائینی از سیاست گام به گام جهت تحقق هدف نهایی که همان تشکیل حکومت اسلامی است استفاده می‌کند اما ساختار حکومت اسلامی مطروحه در دوران نهضت انقلاب‌خواهی، از ابتدا تکامل یافته‌تر از حکومت مشروطه می‌باشد.

ایران در اواخر حکومت قاجاریه، به‌دلیل ناکارآمدی، فساد اخلاقی و سیاسی، ظلم و سرکوب، وابستگی و دخالت بیگانگان وارد عصر جدیدی گردید. اندیشه‌های انقلابی، آزادی‌خواهی، هجوم به استبداد و تدوین قانون در آن زمان پدیدار شد و روزبه‌روز رو به رشد نهاد. علما با فتواهای پی‌درپی مردم مسلمان را به مشروطیت تشویق و علیه استبداد برانگیختند. (نائینی با مقدمه حسینیان، ۱۳۸۷/۱۹/۲۱) هدف مشروطیت به رهبری عالمان اسلامی، اسلام‌خواهی بود و قطعاً آنها تصویر روشنی از نظام مشروطه

داشتند و حکومت قانون، محدود بودن قدرت سلطنت، تفکیک قوا، تقسیم قدرت سیاسی یا عدم تمرکزگرایی،[1] وجود مجلس شورای ملی ـ اسلامی و نظارت مبعوثان ملت بر بنای «امرهم شوری بینهم» را به‌خوبی می‌دانستند و بر آن تأکید ورزیده و تصریح می‌کردند. ازآنجایی‌که جنبش مشروطه، رخدادی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی بود، همه گروه‌های جامعه در آن نقش داشتند. امّا نقش سه گروه از همه برتر بود: روشنفکران،[2] بازرگانان،[3] علمای دینی.[4] (آدمیت، ۱۳۸۸: ۲۷) گروه سوم علمای برجسته اسلامی بودند. که به حرکت مشروطه رنگ دینی دادند. پیشتازی روحانیت در سطح مرجعیت، غیرت دینی مردم را برانگیخت و آنان را به صحنه مبارزه کشاند. اهداف رهبران روحانی نهضت مشروطه ایران، برپایی حکومت خدا، اجرای قوانین الهی، حفظ و پاسداری سنت‌های الهی و حفظ جان، مال و ناموس مردم بود. (کسروی، ۱۳۶۳: ۳۱۱) مراجع با اعلامیه‌های هشداردهنده و بیدارگرانه، مردم را نسبت به بدی‌ها و تباهی‌های نظام استبدادی آشنا ساختند و با این شیوه، نهضت را تا پیروزی رهبری کردند. پس از پیروزی، در دوران تدوین قانون و تأسیس مجلس شورا نیز ارتباط تنگاتنگ خود را با مردم و نمایندگان آنان حفظ کردند. (کرمانی، ۱۳۴۹: ۱۹۶)

این گروه سوم (علما) در زمانی که احساس کردند مشروطیت از آرمان‌های آغازینش جدا می‌شود و دست‌های پیدا و پنهان این حرکت مقدس را به سمت و سوی دیگری می‌کشانند، ناخرسندی خود را به روشنی اعلام کردند. (حائری، ۱۳۶۰: ۱۵۹) و به هنگام برگشت دوباره استبداد و دوران استبداد صغیر نیز قاطعانه در برابر مستبدان ایستادند و مردم را نیز به ایستادگی در برابر ترفندهای محمدعلی شاه و ایادی وی فرا خواندند. (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۶۹)

از شخصیت‌های بارزی که در عصر نهضت مشروطه‌خواهی توانسته است تصویر روشنی از نظام حکومت مشروطه ارائه دهد، فقیه عالی‌مقام میرزا محمدحسین نائینی غروی است. وی با نوشتن رساله *تنبیه الامة وتنزیه المله* در تبیین مشروطیت و حکومت اسلامی، رسالت عالمانه خود را به اتمام رساند و کتاب جامعی در اصول سیاست اسلامی به رشته تحریر درآورد. (نائینی، ۱۳۵۸: ۱۸) انگیزه آیت‌الله نائینی از تألیف کتاب، دفاع از اصل نزدیک بودن مشروطه به اسلام نسبت به استبداد است و انگیزه خود را عمل به وظیفه دینی عالمانه خود می‌داند. وظیفه عالمان، روشنگری مردم است. (نائینی با مقدمه حسینیان، ۱۳۸۷: ۲۴) او که به‌منزله سخنگوی مراجع مشروطه‌خواه، به سخنان بی‌اساس و شبهه‌های اختلاف

1. Decentralization.
2. Intellectual.
3. Businessmen.
4. Religious Scholar.

برانگیز پاسخ منطقی و مستدل داد و بار دیگر ثابت کرد که روحانیت در هسته مرکزی روشن‌بینی و ژرف‌اندیشی قرار دارد. (آل‌احمد، ۱۳۸۶: ۶۹) در آن جو گروهی، مشروطه را فتنه آخرالزمان و ناسازگار با اسلام می‌دانستند و بر این باور بودند که حرکت مشروطیت، نباید به بستر شریعت بیفتد. (آدمیت، ۱۳۸۸: ۴۵ ـ ۴۴) درحقیقت، هدف آیت‌الله نائینی از نوشتن کتاب در آن شرایط تاریخی، که موج غرب‌زدگی و غرب‌گرایی همه‌جا را فرا می‌گرفت، بازگشت به اسلام اصیل و شناساندن دوباره آن بود. نگرش جامع او به مفاهیم دینی از او انسانی متفکر و اندیشه‌ور ساخته است که باتوجه به جدایی‌ناپذیری دین و سیاست، طرحی نو ارائه داده است. حضور آیت‌الله نائینی در میان پیشتازترین قهرمانان مشروطه‌خواهی و این واقعیت که نائینی مؤلفِ تنها رساله مشهور و مضبوط در دفاع از اصول مشروطیت است، نمی‌تواند جز دلیل عینی باشد بر پیوند بین نظریه و نگرش فقهی آنان با نگرش سیاسی شان. (عنایت، ۱۳۷۱: ۲۸۷) نائینی مشروطه را نه‌تنها موافق شرع، بلکه سبب امنیت و آبادی مملکت دانست. ازاین‌روی می‌توان گفت سهم نائینی در استقرار و استوارسازی بنیاد مشروطیت سهمی است اساسی و ماندگار که با قلم و قدم به یاری آن شتافت و از انقلاب مشروطه حمایت نمود. بنابراین، نائینی در نوشتن این کتاب به‌عنوان مصلح دینی به علل انحطاط و راه‌های تعالی مسلمانان می‌اندیشیده و این تفکر برگرفته از روح شریعت و الهام گرفته از فرهنگ پرمایه تشیع بوده است.

شاید بتوان گفت، نوشته میرزای نائینی، نمونه‌ای از آثار یکپارچه در زمینه طرح «حکومت اسلامی» است. گرچه پیش از ایشان کتاب‌هایی در مورد نظام سیاسی اسلام نوشته شده و از ولایت فقیه که روح حکومت اسلامی است به شکل‌های گوناگون در آن نوشته‌ها سخن گفته‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۶۷) اما میرزای نائینی جزء اشخاصی است که به ارائه نظریه اندیشه سیاسی اسلامی در زمینه حکومت شناخته شده است.

از مبانی اندیشه سیاسی محقق نائینی، نفی کامل نظام پادشاهی مبتنی بر استبداد می‌باشد. وی در دوران حیات خویش با حکام ظالم روبه‌رو بود که همواره برای تحکیم پایه‌های حکومت خویش و ستم بر محرومان جامعه تلاش می‌کردند. بنابراین، پس از لمس دوران استبداد و شناخت عمیق از ماهیت نظام پادشاهی، اساساً آن نظام را از حیث ماهوی، منافی نظام اسلامی می‌دانند و معتقدند که پادشاه مستبد، خود را مالک جان و مال مردم و ملت را رعیت خویش می‌داند؛ درحالی‌که از منظر اسلام، حاکم خدمت‌گزار مردم و در مقابل آنان مسئول می‌باشد.

ایشان معتقد است، سلطان جائر نه‌تنها درصدد اصلاح امور مردم نیست؛ بلکه ملت را بردگان و زمین مملکتش را ملک شخصی خویش می‌داند؛ ازاین‌رو با کوچک‌ترین بهانه‌ای به دلخواه خود به جان، مال و

ناموس مردم تجاوز می‌کند و بخش‌هایی از مملکت را به دیگری می‌فروشد. نائینی در وصف حاکم مستبد چنین می‌نویسد:

> مانند آحاد مالکین نسبت به اموال شخصیه خود با مملکت و اهلش معامله فرماید، مملکت را به مافیها مال خود انگارد و اهلش را مانند عبید و اماء [برده و کنیز] بلکه اغنام و احشام برای مرادات و درک شهواتش مسخر و مخلوق پندارد. (نائینی، ۱۳۸۷ ب: ۳۵)

باتوجه به مطالب گفته شده در بالا، سؤالی را که نگارندگان این نوشتار در پی پاسخ به آن می‌باشند این است که: چه رابطه‌ای بین اندیشه سیاسی آیت‌الله نائینی و جنبش مشروطیت وجود داشته است؟ و اینکه آیا می‌توان شکل‌گیری ریشه‌های حکومت اسلامی را در اندیشه‌های سیاسی ایشان جستجو کرد؟ و اما پاسخی که نویسندگان برای این سؤال در نظر گرفته‌اند و به‌صورت مبسوط در متن مقاله به آن پرداخته خواهد شد این است که آیت‌الله نائینی نظام سیاسی امامت شیعی را به‌عنوان نظام مطلوب سیاسی به‌جای سلطنت پادشاهی معرفی و نوع حکومت و حاکم را در دوران غیبت که حکومت اسلامی به‌دست ولی‌فقیه باشد را معرفی نمود و زمینه فکری شیعه را برای پذیرفتن شکل حکومت مشروطه مشروعه آماده کرد که ثمره آن را در ایجاد و تقویت ریشه‌های نظام اسلامی می‌توان مشاهده نمود، ازاین‌رو مجاهدت‌ها و روشنگری‌های علمای بزرگی چون آیت‌الله نائینی و زیرسازی‌های فکری ـ سیاسی آنها، در توفیقات مردم در حرکت‌های آزادی‌طلبانه اسلامی تأثیر زیادی داشته است.

پیشینه پژوهش

در خصوص واکاوی نقش آیت‌الله نائینی در جنبش مشروطیت و شکل‌گیری ریشه‌های حکومت اسلامی تاکنون پژوهشی به‌طور مستقیم صورت نگرفته است و مطالعه پژوهش‌های انجام شده به مواردی انجامید که به‌طور غیرمستقیم با موضوع پژوهش مرتبط بودند که در ادامه به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

حامد جوکار و موسی نجفی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به تحلیل و مقایسه نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی باتوجه به نظریه های جامعه‌شناسانه انقلاب پرداخته اند که در این مقاله ناکارآمدی حاکمیت را از مهم‌ترین عوامل ذاتی ایجاد نهضت مشروطه دانسته‌اند. آنها در این مقاله تفاوت انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی را در موارد ذیل خلاصه کردند: میزان تغییرات در ساختار حاکمیت پیشین، توجه به هویت اسلامی ـ ایرانی، نسبت با استعمار، میزان و عمق اصلاحات، آرمان‌ها و آینده‌نگری، جایگاه و نقش دین، رهبری و نقش آن، میزان مشارکت احتمالی و میزان حضور مردم.

جواد سلیمانی در مقاله تحت عنوان «نظرگاه مشترک میرزای نائینی و امام خمینی در قلمرو اندیشه و

نظامی سیاسی اسلام» به تطبیق دیدگاه این دو فقیه در حوزه اندیشه و نظام سیاسی مـی‌پـردازد. از نظـر نویسنده، نظرگاه مشترک این دو فقیه در حوزه‌های مـذکور عبارتنـد از: نفـی نظـام پادشـاهی، خاسـتگاه مشروعیت حکومت، ضرورت تشکیل مجلس، شرایط برگزیدگان ملت و راهکارهای نظارتی برای تضمین اسلامیت مصوبه‌های مجلس.

علیرضا ملایی توانی نیز در مقاله با عنوان «تبیین ریشه های اجتماعی اقتصادی انقلاب مشروطه» به علل اجتماعی اقتصـادی وقـوع انقـلاب مشـروط در چهـارچوب نظریـهٔ کـارکردگرایی چـالمرز جانسـون می‌پردازد. نظریه مورد استفاده در این مقاله مبتنی بر تعادل و هم‌بستگی اجتماعی است و اعتقاد دارد اگـر نظام اجتماعی از حفظ تعادل خود در برابر پدیده‌های نوین و شرایط محیطی، کـه از درون و بیـرون آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، ناتوان باشد؛ دستخوش تزلزل و بحران می‌شود و راه برای انقلاب و تحول هموار می‌شود. این عدم تعادل در عهد قاجار، ازیک‌سو در پی مواجههٔ جامعه و حکومت ایران با غرب و از سوی دیگر، با انجام اصلاحاتی که به تقابل سنت های بومی با ارزش های مدرن انجامید، فراهم آمد و پیـرو آن نظم کهن از هم گسیخت و انقلاب مشروطه شکل گرفت.

روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی ـ تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی مـی‌باشـد. در ایـن راستا از منابع اطلاعاتی شامل کتب و منابع مرتبط با انقلاب مشروطیت، اندیشـه‌هـای آیـت‌الله نـائینی و مورخان برجسته انقلاب مشروطه استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل و یافته‌ها

آیت‌الله نائینی و جنبش مشروطیت

نهضت مشروطه به‌منزله انقلابی مردمی به‌منظور مهار استبداد و تحصیل استقلال به رهبری عالمان دین در ایران انجام شد، که در این نهضت آیت‌الله نائینی نقش مؤثری را ایفا کرد. وی درکتاب *تنبیه الامه* که از سوی تنی چند از علمای تراز بالا مورد تأیید قرار گرفت. (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۱۲۱) حاکمیـت اسـلام ناب محمدی‌ﷺ را با برهان قاطع اثبات کرده و پرده از چهره حکومت‌هـای اسـتبدادی برداشـته اسـت. او زندگی در زیر سلطه استبداد را مساوی با بردگی می‌داند و می‌نویسد:

> خداوند متعال در قرآن مجید و ائمه معصومین‌ﷺ در مواقع عدیده، زندگی همراه بـا پـذیرش سلطه حکمرانان استبدادگر را نوعی بردگی و ضد آزادی می‌دانند. (نائینی، ۱۳۸۷: ۱۸)

نائینی مشروطیت را نوعی حکومت اسلامی تلقی می‌نمود بنابراین در سراسر کتاب خود طرحی ارائه می‌دهد تا در چارچوب قانون اساسی مشروطیت و متمم آن احکام اسلامی اجرا گردد. و در همین حد که ایشان و علمای همتراز وی متن قانون اساسی مشروطیت را پسندیده‌اند گرچه سلطان در رأس قوه مجریه قرار دارد در قدم اول برای آنان کفایت می‌کرد و این نشان می‌دهد که نائینی و علمای طرف‌دار مشروطیت هم‌عصر وی به یک دوره انتقالی می‌اندیشیده‌اند که با اجرای قانون و رشد و آگاهی مردم شکل بهتری از حکومت که با حذف سلطان همراه است، استقرار یابد. (تسکین دوست، ۱۳۸۱: ۱۴۸ ـ ۱۴۷)

همان‌گونه که گذشت، طرح مشروطه در صورت عدم دسترسی به فقیه جامع‌الشرایط مطرح می‌شود؛ یعنی وقتی مسلمانان از تشکیل حکومت اسلامی مطلوب ناتوانند، به ناچار نظام مشروطه را بر نظام پادشاهی مطلقه اولویت می‌دهند، در مشروطه قدرت پادشاه به رأی نمایندگان ملت مسلمان منوط می‌گردد و مصوبات آن، باید مورد تأیید شورای فقها قرار گیرد و مردم ظلم کمتری را متحمل می‌شوند، بنابراین نائینی نظام مشروطه را تأیید اضطراری بر حکومت مطلوب اسلامی می‌داند:

> در این عصر غیبت که دست امت از دامان عصمت کوتاه و مقام ولایت و نیابت نواب عام در اقامه وظایف مذکوره هم مغصوب و انتزاعش غیرمقدور است، آیا ارجاعش از نحوه اولی [یعنی نظام استبدادی] که ظلم زائد و غصب اندر غصب است به نحوه ثانیه یعنی سلطنت مقید به رأی مجلس و تحویل استیلای جوری به قدر ممکن واجب است؟ یا آن که مغصوبیت، موجب سقوط این تکلیف است؟ (نائینی، ۱۳۸۷: ۶۵)

ایشان از قائلین به ولایت فقیه است که در این کتاب تمام مناصب امام معصوم علیه‌السلام را برای فقیه جامع‌الشرایط ثابت می‌داند. بنابر نظریه او، بدون شک علما شرعاً مسئول دستگاه حکومتی هستند و جلوگیری از بی‌نظمی و بی‌عدالتی در جامعه از مسائل پراهمیتی است که از وظایف آنهاست و در غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه رهبری جامعه به عهده آنان می‌باشد.

> بنابر اصول ما امور نوعیه و سیاست امور امت را از وظایف نواب عامه عصر غیبت می‌دانیم. (همان: ۱۸)

در سال ۱۳۲۷ ق. سلطنت استبدادی محمدعلی شاه با به توپ بستن مجلس به پایان عمر خود رسید و مشروطه‌خواهان پس از فتح تهران حکومت را به دست گرفتند. اما با دخالت اجانب به‌جای بر سر کار آمدن دانشمندان اسلامی و اجرای احکام دین، غربزدگان و ایادی استکبار رهبری نهضت را به دست گرفتند و انقلابی را که علما با اهداف بلندی دنبال می‌کردند از مسیر اصلی‌اش منحرف ساختند. مخالفان

مشروطه برای مقابله با نهضت، آیت‌الله نائینی را هدف قرار دادند. در مقابل، روزنامه حبل المتین در دفاع از مشروطه و آیت‌الله نائینی چنین می‌نویسد:

> مردم نباید تحت‌تأثیر این بدگویی‌های دشمنان مشروطه، نسبت به نائینی که خدمات او به مشروطه و اسلام فراموش ناشدنی است قرار گیرند. (حائری، ۱۳۶۰: ۱۵۷)

علامه نائینی از حکمت عملی و فلسفه و اجتماعیات، بهره وافر داشته و این تبحر علمی او باعث شد که دست به ابتکار علمی بزند و تصویر روشن از حکومت مشروطه و ویژگی‌های نظام استبداد ارائه دهد. ابتکار کار نائینی در این نکته نهفته است که او «برای اثبات مشروعیت مشروطه نوشته شده ولی اهمیت بیشتر آن به دست دادن اصول سیاسی و اجتماعی اسلام و نقشه و هدف کلی حکومت اسلامی است». (نائینی، ۱۳۵۸: ۱۷) او در این مطلب به‌خوبی توانسته سیمای روشنی از نوع حکومتی را که عالمان دین در صدر مشروطه در پی اسلام‌خواهی خود داشتند، به جامعه مسلمانان ارائه دهد. خواسته نائینی برخلاف فرنگی مآبان، در حکومتی برخاسته از مفاهیم اصیل اسلامی بوده است. وی سیمایی را که از حکومت مقیدیه و دستوریه مشروطه نشان می‌دهد، کاملاً از اندیشه اسلامی الهام می‌گیرد، مگر نه این است که خود علاوه‌بر فقیه اسلام‌شناس، عالم به مسائل اجتماعیات و سیاست زمان بوده است.

چند سالی از آغاز نهضت نگذشته بود که استعمار با عوامل داخلی خود، روشنفکران غربزده که دین را مربوط به امور فردی می‌دانستند، به اسلام یورش بردند. چهره روحانیان را مخدوش ساختند. (کرمانی، ۱۳۴۹: ۴۶۸) آیت‌الله نائینی، با ارزیابی اوضاع سیاسی و اجتماعی و با در نظر گرفتن مصالح امت مسلمان به این نتیجه رسید که از دخالت در امور مشروطه خودداری ورزد تا بر کژروی‌ها صحه گذارده نشود. علت دلسردی نائینی در مشروطیت آن بود که می‌دید آنچه مقصود رهبران مذهبی بود پیاده نشد و آنچه هست، خلاف آن است که مشروطه‌خواهان مذهبی و روحانیان مجاهد می‌خواستند. به تعبیر وی: «انگوری که امید سرکه بودن در آن منظور بود، یک‌باره شراب گردید».[1] (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶: ۴۰۷) روشن است در چنین شرایطی اگر انسان متعهدی چون نائینی توان آن را نداشته باشد که جلوی کژروی‌ها و واپس‌گرایی‌ها را بگیرد، باید راهی را برگزیند که ارزش‌ها مخدوش نگردد و کژروی‌ها به نام دین رسمیت نیابند؛ ازاین‌روی ایشان از ادامه رهبری مشروطه دست کشید و به درس و بحث روی آورد.

به گفته شهید مطهری، افسوس که جو عوام‌زده محیط ما، کاری کرد که آن مرحوم پس از نشر آن

---

۱. این تعبیر را آیت‌الله نجفی مرعشی به‌طور مستقیم از آیت‌الله نائینی نقل نموده‌اند. برای اطلاع دقیق‌تر، ر.ک: عقیقی بخشایشی، *فقهای نامدار شیعه*، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ص ۴۰۷.

کتاب، یکباره مهر سکوت بر لب زد. (مطهری، ۱۳۸۸: ۴۶) البته این بدان معنی نیست که وی از سیاست کناره‌گیری کرد. (مستعان، ۱۳۵۵: ۲۷) آیت‌الله نائینی در برابر شبهه‌افکنی‌های مخالفان مشروطه و فرنگی‌مآبان مشروطه‌خواه و تفکر (چه فرمان یزدان و چه فرمان شاه) ایستادگی کرد و نشان داد که اسلام دارای طرح است. در اندیشه وی همانا احیای قانون الهی و سنت نبوی، روشنگری آزادی در محدوده شریعت، بها دادن به آرای ملت و رأی مستقیم مجلسیان در اداره کشور، مهار استبداد و در یک کلام آماده کردن فضای سیاسی و اجتماعی برای حکومت اسلامی است. (نائینی، ۱۳۸۷: ۴۹)

کنش سیاسی آیت‌الله نائینی ریشه در اندیشه وی دارد. بنابر عدم وجود تعریف جامع از مسائل سیاسی ـ اجتماعی، نائینی نیز با علم به مسئله دنبال تعریف جامع از سیاست نیست، اما سیاست از نگاه ایشان مغفول نیز نمانده است. نائینی سیاست را هر چیزی که میان بشر را سامان بخشد می‌داند، و معتقد است سیاست در مورد ملت‌های گوناگون فرق دارد، چراکه هر قومی برای قومیت و وطن خود به روش خاصی عمل می‌کند، به‌گونه‌ای که معتقد است:

> بدان که جمیع امم مسلم و تمام عقلا بر آن متفقند که چنانچه استقامت نظام عالم و تعیش نوع بشریت متوقف به سلطنت و سیاستی است، خواه قائم به شخص واحد یا به هیئت جمعیه و چه آنکه تصدی آن بر حق باشد یا به انتصاب، به قهر باشد یا به وراثت یا به انتخاب، همین‌طور معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی هم آنکه راجع به امتیازات دینیه باشد، یا وظیفه منوط به قیام امارتشان است به نوع خودشان. (نائینی الف، ۱۳۸۷: ۶)

مراد نائینی از اشاره به ملیت در تعریف سیاست، این مطلب است که سیاست را مجموعه تدابیری می‌داند که ملت‌ها برای حفظ سه اصل بنیادین خود؛ ملیت، میهن و ارزش‌ها آغاز می‌کنند. ازآنجایی‌که ملت‌ها گوناگونند، ارزش‌های هر ملتی هم متفاوت است.

در نوع حکومت تأکید وی بر نظام سیاسی امامت شیعی است. وی در نوع حکومت خاص اسلامی، سیاست را مجموعه تدابیری می‌داند، که امام معصوم در جهت حفظ امت اسلامی و ارزش‌های الهی اسلامی و سعادت دنیوی و اخروی می‌اندیشد و بنابراین، سیاست را از وظایف و شئون امام غایب می‌داند. (همان: ۷) آنچنان که در اندیشه امام خمینی این امر تأکیده شده است که پس از عصر نبوت، راهنمایی امت و تشکیل حکومت برعهده معصومان علیهم‌السلام و در دوران غیبت برعهده فقهای واجد شرایط است و مشروعیت حکومت اسلامی در دوران غیبت و زعامت فقیه، منوط به وجود شرایط شخص فقیه است. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۰۰) همین تفکر محور کنش‌های سیاسی آیت‌الله نائینی را در مقطع مشروطیت

شکل می‌دهد که می‌توان تجلی آن را در حکومت معینه آیت‌الله نائینی «نظام سیاسی ولایت شیعی» یافت. آیت‌الله نائینی درصدد است با حاکم نمودن قوانین حکومت اسلامی استبداد داخلی و استعمار خارجی را محدود نماید. (نائینی، ۱۳۸۷ الف: ۶)

دین و سیاست[1]

نائینی معتقد است اسلام می‌تواند همه خلأهای زندگی و ساختارهای آن را کامل کند. بنابراین دین اسلام اصول اساسی سیاست را نیز به‌عنوان یک عرصه زندگی انسانی مقرر کرده است. اگر نارسایی در امر سیاست وجود دارد، نه به‌خاطر اسلام، که از غفلت مسلمانان در اثر بی‌توجهی به سیاست اسلامی می‌داند، معتقد است علاوه‌بر ملت‌های اسلامی، ملت‌های مسیحی اروپایی پس از جنگ‌های صلیبی با دستیابی به منابع اسلامی اصول تمدن و سیاسات اسلامیه را از کتاب و سنت و غیرها اخذ کردند که در تواریخ سابقه خود منصفانه بدان اعتراف نموده‌اند. (نائینی، ۱۳۸۷ ب: ۲)

نائینی نسخه شفابخش را شناخت کامل اصول اساسی و سیاسی اسلام و عمل بدان می‌داند.

> این سیل عظیم بنای تمدن بشری که از بلاد غرب به سمت ممالک اسلامی سرازیر است اگر ما رؤسای اسلام جلوگیری نکنیم و تمدن اسلام را کاملاً به موقع اجرا نکنیم، اساس مسلمانی تدریجاً از آثار آن سیل عظیم محو و نابود خواهد شد. (همو، ۱۳۸۷ الف: ۸۳)

ایشان در نقد تفکر اسلام مخالف سیاست، در ***تنبیه الامه*** بیان می‌دارند:

> فرمان تفویض ولایت مصر به مالک اشتر از سوی امام علی سرشار از اصول سیاسی من‌جمله تفکیک قوا است، و حقوق والی بر رعیت و حقوق رعیت بر والی است، که اروپاییان آنها را ترجمه و در استنباط قوانین سرمشق خود ساخته‌اند. (همان: ۱۰۴)

نائینی اعتقاد واثق به ارتباط بین دین و سیاست دارد، حتی وی پدیده‌های سیاسی را رنگ کلامی و مقولات کلامی را رنگ سیاسی می‌دهد. نائینی برای نخستین‌بار مقوله سیاسی استبداد را جنبه کلامی بخشید، و از آن به‌عنوان «شرک عملی» نام برد. به‌طوری که شهید مطهری می‌فرمایند: برای اولین بار است که یک عالم اسلامی از «استبداد» تعبیر به «شرک عملی» می‌نماید. (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۵) براساس تفکر او دین اسلام به سیاست بی‌تفاوت نبوده و جدا دانستن اسلام از سیاست نشانه جهل و نادانی است. بنابراین اندیشه آیت‌الله نائینی اهتمام جدی بر مشروطه از جنس دین دارد، مشروطه‌ای که ارزش‌های اسلامی حافظ آن در میدان‌های داخلی و خارجی باشد.

1. Religion & Politics.

آیت‌الله نائینی و استعمارگران[1]

بعد از شکست دولت عثمانی، استعمار پیر زمینه تبعید مراجع دینی را تدارک دید چراکه علما در اشغال عراق توسط انگلیسی‌ها حکم جهاد علیه آنها داده بودند بنابراین آیت‌الله نائینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را به ایران تبعید کرد. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶: ۴۰۹)

در اثر اشغال ایران و هرج‌ومرج به‌وجود آمده، رضاخان در ایران به قدرت رسید. در اثر پایان دادن به عمر سلسله قاجاریه توسط رضاخان، آیت‌الله نائینی هم به او پیام تبریک فرستاد. اتخاذ چنین عملی باعث گردید تا عده‌ای این‌گونه قضاوت کنند که:

> نائینی دست‌کم در برهه‌ای از حیات سیاسی خویش، از مواضع خود برگشته و با رژیم‌های دیکتاتوری، به‌ویژه رژیم استبدادی رضاخان، همکاری داشته است». (اسماعیلی، ۱۳۷۵)

اما رضاخان با توسل به سلاح تزویر و ریا و زیرکی درصدد جلب نظر علما جهت مقبولیت سیاسی و پایگاه اجتماعی خود بود. (شاهدی، ۱۳۸۵) آیت‌الله نائینی پس از آشکار شدن سیاست‌های ضد اسلامی رضاشاه و نیز رفتار مستبدانه او به مخالفت جدی برخاست. ازجمله شواهدی که حاکی از تیرگی روابط میان آیت‌الله نائینی و رضاشاه است، حمایت مرحوم نائینی از انجمن‌های تبلیغی حجت الاسلام سید ابوالحسن طالقانی والد محترم آیت‌الله سید محمود طالقانی برای مقابله با جریان‌ها و سیاست‌های فرهنگی حاکم در زمان رضاشاه بود. (ذبیح‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۰)

مشارکت سیاسی[2]

نائینی معتقد به ضرورت حق مردم در مشارکت سیاسی در حکومت است. ایشان با استناد به آموزه‌های دینی در اثبات ادعای خود برمی‌آید و می‌فرماید: دین اسلام نظام شورایی را در امور سیاسی تأکید دارد و مصداق آن آیه مبارکه «وامرهم شوري بينهم» (شوری / ۳۸) می‌باشد. (نائینی، ۱۳۸۷: ۵۳) همین‌طور توصیه‌ای که به مشورت با عقلای امت در اسلام شده است و مصداق آن آیه مبارکه «وشاورهم في الامر» (آل‌عمران / ۱۵۹) که دلالت بر مشارکت مردم در امور عمومی پذیرفته شده است. توصیه خداوند و قرآن به پیامبر به مشورت با مردم در امور سیاسی و اجتماعی است و تأمین نظر اکثریت مردم در امر کشورداری.

«دلالت آیه مبارکه عقل کل و نفس عصمت را بدان مخاطب و مشورت با عقلا امت مکلف

1. Colonialism.
2. Political Participation.

فرموده‌اند، بر این مطلب در کمال بداهت و ظهور است جمیع نوع ملت، نه اشخاص خاصه». طبق این تفکر، مجلس نمایندگان مردم برای تعیین سرنوشت خود، ضرورت پیدا می‌کند که ازیک‌سو باعث گردد یک فرد برای جمع ملت تصمیم نگیرد و همینطور باعث افزایش اعتماد به نفس سیاسی و امید سیاسی مردم شده، که در اثر آن مشارکت سیاسی افزایش یابد. ازاین‌رو آیت‌الله نائینی بر تأسیس مجلس نمایندگان مردم به‌عنوان یکی از خواسته‌های ملت در دوران مشروطیت تأکید دارد. (نائینی، ۱۳۸۷ الف: ۱۱۷)

شرایط وی برای مشارکت سیاسی مردم عبارتند از: آزادی و مراد آزادی یعنی اینکه حکومت جور و طاغوت جای خود را به حکومت عدل دهد و مردم مورد استثمار قرار نگیرند. اصل مساوات، که مردم در برابر قانون با حاکم مساوی باشند. نائینی معتقد است مساوات به‌معنای یکسانی حقوق شهروندی و عدم تبعیض است و نهایتاً اینکه رأی اکثریت در امور عمومی و سیاسی پذیرفته شود. بنابراین لزوم پذیرش مشارکت مردم، پذیرش رأی اکثریت است. پس شارع باید اصل رأی اکثریت را در امور سیاسی بپذیرد. و پذیرش نظر اکثریت، شریعت است و لازمه تحدید قدرت سیاسی. (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶: ۲۲۵)

نوع‌شناسی حکومت‌ها و حکومت مطلوب[1] از منظر نائینی

نائینی معتقد است حکومت و جامعه لازم و ملزوم یکدیگرند، جامعه کانونی است که انسان‌ها در درون آن بهتر به فضائل علمی دست پیدا کرده و با عمل به آنها به سعادت دنیوی و اخروی می‌رسند. نائینی حکومت را به موجود زنده با دو وظیفه اساسی برای بقا تشبیه می‌کند:

۱. حفظ نظامات داخله مملکت و تربیت نوع اهالی و رساندن هر ذی حقی به حق خود و منع از تعدی و تطاول آحاد ملت؛ ۲. حفظ از مداخله اجانب و تقویت در قوه دفاعیه. (نائینی، ۱۳۸۷: ۷)

نائینی بر پایه اندیشه خود اتحادی بین انسان جامعه و حکومت انجام می‌دهد. ولی انسان را موجودی کمال‌طلب می‌داند که در تلاش است در سایه درک فضائل به سعادت برسد، که جز در جامعه‌ای که با حکومت حفظ می‌شود میسر نیست و آن جامعه‌ای است که حکومت آن تحت نظر مبعوثان ملت در مجلس و با محوریت ارزش‌های دینی اتفاق بیفتد که ایشان تأکید بر مشروطیت اسلامی می‌کنند. نائینی با تمرکز بر رسالت حکومت که حفظ نظام زندگی انسان می‌باشد، حکومت‌ها را به چهار شکل تقسیم می‌کند.

۱. حکومت عدل ولایتیه: براساس این نوع حکومت، قدرت سیاسی در اختیار امام معصوم علیه‌السلام یا فقیهی است که به واسطه عدالت خود قانون و مجلس را تشکیل داده است.

1. Ideal Government.

۲. حکومت جور ولایتیه: در این نوع حکومت، حاکم یا مؤمن غیر ماذون از فقیه یا فاسقی که در چارچوب قانون و نظارت نمایندگان مردم حکومت می‌کند.

۳. حکومت عدل تملیکیه: در این نوع حکومت، حاکم، فقیه ماذون یا مؤمن قدرت سیاسی را بدون شروط و به‌دور از چارچوب قانونی اعمال و به‌دلخواه حکمرانی می‌کند.

٤. حکومت جور تملیکیه: در این نوع حکومت، حاکم فاسق هوس‌آلود و یا مؤمنی بدون محدودیت قانونی حکومت می‌کند. (همو، ۱۳۸۷ الف: ۱۲)

حکومت مطلوب از نظر نائینی، حکومتی است که بتواند وظیفه حفظ نظام را به‌طور کامل انجام دهد. از نظر ایشان حکومت مشروع، مطلوب است. نقطه ثقل اندیشه سیاسی نائینی حاکم اسلامی است، و نقطه محوری آن هم «ولایت فقیه» است.

> در عصر غیبت آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضاء شارع مقدس به اهمال آن حتی در این زمینه معلوم باشد وظایف حسبیه نامیده و نیابت فقها عصر غیبت را در آن‌قدر متقن و ثابت دانستیم. (همو، ۱۳۸۷ الف: ۴۶)

نائینی در نصب حاکم اسلامی از سوی خداوند هیچ شبهه‌ای ندارد، زیرا معلوم است به آن مقام والای عصمت، محال است که حتی از روی خطا و اشتباه در امانتی که خداوند به عهده او گذاشته خیانتی روا دارد. ازاین‌رو ایشان ولایت فقیه را منحصر به امور حسبیه نمی‌داند و بر«ولایت عامه فقیه» تأکید داشته‌اند. (همان: ۴۸) وی معتقد است بهترین حکومت، حکومت معصوم است که به لحاظ قوه عصمت، قدرت سیاسی، مدیریت اخلاق‌مدار دارد و بهترین شکل حکومت اسلامی در زمان غیبت، ولی‌فقیه جامع‌الشرایط در جهت اعمال قدرت سیاسی است. اما حکومت مطرود از نظر نائینی حکومتی است که قدرت سیاسی در چارچوب قانون اعمال نگردد، یا حاکم ماذون از طرف فقیه نباشد. اما در شرایطی که امکان تأسیس حکومت ولایت فقیه نیست، ایشان حکومت مشروطه را در برابر حکومت استبدادی مقدم می‌داند، زیرا معتقد است نظام مشروطه برخاسته از اسلام است، ولی نظام استبدادی با روح اسلام ناسازگار است. آیت‌الله نائینی معتقد است حکومتی مشروع است که در رأس آن در عصر حضور، امام معصوم و در عصر غیبت کبری، نواب عام قرار داشته باشند و هر نوع حاکمیتی غیر از این دو مشروعیت ندارد، چه استبدادی باشد و چه مشروطه و نظام مشروطه به‌خاطر آنکه در رأس آن، فقیه جامع‌الشرایط قرار ندارد، یک نظام غیرشرعی و غصبی است، ولی ازآن‌جهت که جامعه انسانی نیازمند حکومت بوده و هرج‌ومرج برای جامعه پیامدهایی زیان بارتر از حکومت نامشروع دارد، فقیه موظف است در صورتی که تشکیل حکومت مشروع ممکن نباشد، از میان دو حکومت غصبی سلطنتی مطلقه و سلطنتی مشروطه،

آن را که از مفسده کمتری برخوردار است برگزیند. میرزای نائینی می‌فرماید:

> بدین‌ترتیب ... مجال شبهه و تشکیک در وجوب تحویل سلطنت جائره غاصبه از نحوه اولی به نحوه ثانیه با عدم معذوریت از رفع ید از آنان باقی نخواهد بود. (همو، ۱۳۸۷: ۷۴)

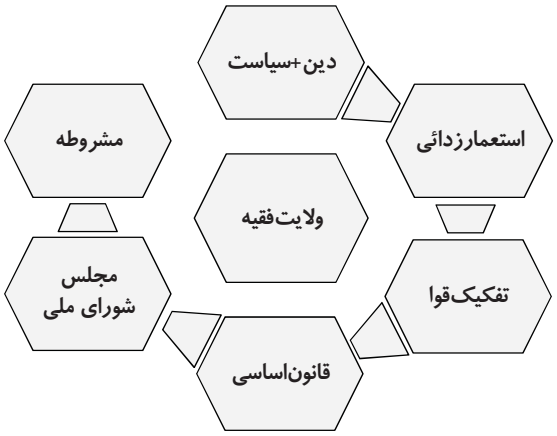

براساس الگوی بالا، حکومت مطلوب از نظر نائینی، حکومت ولایت فقیه است که سایر اجزاء تشکیل‌دهنده و اندیشه شکل‌گیری آن که حول محور ولایت فقیه قرار دارند ضرورتاً باید متناسب با همین نوع نظام سیاسی به‌صورت زیربنایی شکل بگیرد.

تفکیک قوا در اندیشه نائینی: مجلس شورا،[1] قانون اساسی[2]

در اندیشه سیاسی نائینی تفکیک قوا لازمه تحدید قدرت سیاسی است و جوامع را از تجمیع قوا پرهیز می‌دارد. آنچنان‌که می‌فرماید:

> از وظایف لازمه سیاسیه، تجزیه قوای مملکت است که هریک از شعب وظیفه نوعیه را در تحت قانون صحیح علمی منضبط نموده، اقامه آن را با مراقبت کامله در تجاوز از وظیفه مقرره به عهده کفایت به آن شعبه بسپارد. (نائینی، ۱۳۸۷ الف: ۱۰۲)

وی معتقد است، با تجزیه قوای مملکت و تقسیم شغل و وظایف متصدیان می‌توان مانع تمرکز قدرت سیاسی در شاه یا مجلس نمایندگان ساختگی و فرمایشی شاه شد، که مجلس نمایندگان شاه می‌باشند نه ملت. نائینی می‌گوید: خوب است در وظایف سیاسیه عصر غیبت به آنچه ذکر شد، قناعت و بقیه را به عهده مبعوثان ملت و هیئت مجتهدین ... موکول داریم. (همان: ۱۰۴) این همان چیزی است که به

1. National Parliament.
2. Constitution.

تجزیه قوای مملکت و عدم تمرکز قدرت سیاسی جهت موازنه قوا تعبیر می‌شود. در اندیشه نائینی وجود یا تأسیس مجلس شورا کاربرد دوگانه دارد، هم عامل تحدید قدرت سیاسی شده و هم عاملی بر تفکیک قوا می‌گردد. از دید وی چون مردم حق مشارکت دارند و آزاد هستند عده‌ای را براساس رأی اکثریت به‌عنوان نماینده در مجلس شورا انتخاب کنند تا بر قوه مجریه نظارت داشته باشند. اگر قانون اساسی اسلامی از طریق مجلس شورا بر جامعه حکومت کند، که دو شرط مشروطه‌خواهان بود، دیگر تصمیمات شاه وحی منزل نخواهد بود و هر طرح و پیشنهادی پس از تأیید مجلس شورا ضمانت اجرایی پیدا خواهد کرد.

> مجلس شورای ملی مجمع رسمی از عقلا و دانایان مملکت و خیرخواهان ملت که به حقوق مشترکه بین‌الملل و به وظایف سیاسیه عصر هم آگاه باشند می‌باشد. قوه اجراییه که قاطبه متصدیان هستند، همگی تحت نظارت مبعوثان ملت هستند. هیئت مبعوثان هم تحت نظارت آحاد ملت هستند. (همان: ۱۵)

آیت‌الله نائینی در باب وظایف نمایندگان و مبعوثین اشاره می‌کند:

> اول و اهم تمام وظایف این باب، ضبط و تعدیل خراج و تطبیق دخل و جرح ملک می‌باشد. (همان: ۹۰)

از منظر آیت‌الله نائینی، مصوبه‌های نهادهای قانون‌گذار بشری در نظام اسلامی، تنها در صورت عدم مغایرت با شرع مقدس اسلام و مطابقت با قوانین الهی مشروعیت می‌یابد، بنابراین پس از طرح مجلس شورا در ساختار نظام اسلامی، راهکاری را برای تضمین اسلامی بودن مصوبه‌های مجلس ارائه کرده است. به نظر ایشان، بهترین روش برای تضمین مشروعیت قوانین مصوب مجلس، آن است که گروهی از فقها در کنار مجلس باشند و مصوبه‌های آن را با شرع مقدس و مصالح نظام اسلامی مقایسه کنند تا در صورت مطابقت با شرع، قبول و در صورت عدم آن، رد نمایند، به شرط آنکه خود در ارائه طرح و پیشنهاد لوایح دخالتی نکنند. وی معتقد است متخصصان علوم جدید به‌تنهایی نمی‌توانند امور مملکت را تدبیر و مشکلات جامعه اسلامی را حل نمایند، به این دلیل پس از تأکید بر لزوم حضور عناصر متخصص در مجلس، شواری فقها را به‌عنوان نهاد مکمل مجلس پیشنهاد می‌کند و می‌فرماید:

> به عون الله تعالی و حسن تأییده به انضمام این علمیت کامله سیاسیه به فقاهت هیئت مجتهدین منتخبین برای تنقیض آرا و تطبیقش بر شرعیات، قوه علمیه لازمه در سیاست امور ملت به قدر قوه بشریه کامل می‌شود و نتیجه مقصوده مترتب می‌گردد. (همو، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

در اندیشه سیاسی نائینی قانون اساسی جایگاه ویژه‌ای دارد، تمام مکانیسم‌های تحدید قدرت سیاسی از قبیل آزادی، مشارکت، مشورت، مساوات، رأی اکثریت و تفکیک قوا ضروری هستند. اما ستون فقرات آنها قانون مدون مدنی است و اساسی‌ترین حلقه وصل تمامی مکانیسم‌ها قانون اساسی است و این ابزارها بر محور قانون اساسی کارایی خواهند داشت. و بدون تدوین قانون اساسی همه تدابیر مذکور چون «سر بی‌صاحب تراشیدن است.» (همان: ۵۸) نائینی حاکمیت را از آن خدا می‌داند که از طریق شریعت اعمال می‌شود. جهت اجرای شریعت الهی در جامعه اسلامی مردم تشکیل حکومت می‌دهند که این حکومت باید مطابق باورهای مردم باشد. نائینی حکومت را متشکل از سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه می‌داند. قوه مجریه توسط قوه مقننه و قوه مقننه توسط مردم نظارت می‌شوند و قوه قضائیه تحت نظارت مجتهدان است. میرزای نائینی در منشور حکومت اسلامی حکومت را از آن خدا می‌داند، که باید به دست اولیای معصوم او باشد و در زمان غیبت او باید به دست نواب او تأسیس شود، یعنی همان ولایت فقیه جامع‌الشرایط که از طریق انقلاب اسلامی در حکومت جمهوری اسلامی به‌دست حضرت امام بعد از میرزای نائینی عملاً پیاده شد، که ایجاد ریشه‌های آن از دوران مشروطیت با همت بلند علمایی چون آیت‌الله نائینی ایجاد شد. (همان: ۴۸) نائینی در اثر خود نشان می‌دهد مشروطه و مبانی آن را می‌شناسد. وی مشروطه را حکومتی می‌داند که حاکمانش در مقام مالکیت تام نباشند و اختیارات سلطان محدود به همان وظایف قانونی بوده و از آن تجاوز نکند.

ایشان ارکان حکومت مشروطه را عبارت از آزادی و مساوات و اساس آن را آزادی ملت از اسارت و مشارکت و مساواتشان با همدیگر و شخص شاه می‌داند. نائینی مبنای دیگر مشروطه را حق مشاوره مردم در حکومت شمرده و مشارکت تمام ملت و مشورت با عقلای امت اسلامی یا شورای عمومی ملی را تأکید می‌کند. وی اساس دیگر مشروطیت را نظارت بر کار دولت دانسته و معتقد است تنها راه جلوگیری از تبدیل شدن مشروطه به مستبده، نظارت است و همین طور لازمه دیگر حکومت مشروطه را تفکیک قوا می‌داند. (نائینی با مقدمه حسینیان، ۱۳۸۷: ۳۴)

نتیجه

در عرصه تقابل اندیشه‌های اسلامی و فرهنگ غربی در انقلاب مشروطیت تلاش نخبگان اسلامی بر پیاده‌سازی مشروطیت در ردای اسلامی بود. نائینی متفکر بزرگ اسلامی نوگرا که با درک مقتضیات زمان خود، متناسب با مصلحت زمان تصمیم‌گیری و توانست به واسطه رساله خود، در اندیشه سیاسی شیعه تحولاتی ایجاد کند. وی در مشروطیت، نظام سیاسی اسلامی را طرح‌ریزی و سنگ بنای حکومت اسلامی را قرار داد چراکه به مشروطیت یک نگاه انتقالی داشت و آن را به‌مثابه پلی جهت رسیدن به

حکومت اسلامی می‌نگریست. گرچه مشروطه ناکام ماند امّا حرکت پاکبازانـه مـردان خـدا در روشـنگری سیاسی مردم ثمر داد و در برابر ترفندهای استعمار، هوشیارانه ایستادند و آن گـام بزرگـی را کـه علمـای روشن‌ضمیر برای حاکمیت دین برداشتند، پاس داشتند تا اینکه در حرکـت عظـیم و بـا تجربـه‌ای کـه از گذشته آموخته بودند و شناختی که از دشمن به دست آورده بودند به شب تیره و تـار پایـان دادنـد و نـور اسلام را به این سرزمین تاباندند و اسلام را بر همه عرصه‌های زندگی خود حاکم کردند.

نائینی نظام سیاسی امامت شیعی را به‌عنوان ایدئولوژی مطلوب بجای سلطنت پادشاهی معرفی و نوع حکومت و حاکم را در دوران غیبت که حکومت اسلامی به دست ولی فقیه باشد را معرفی نمـود و زمینـه فکری شیعه را برای پذیرفتن و تلاش برای تأسیس حکومت اسلامی آماده کرد که ثمره آن را در ایجاد و تقویت ریشه‌های انقلاب و آزادی‌خواهی مردم و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی می‌تـوان مشـاهده نمـود، بنابراین مجاهدت‌ها و روشنگری‌های علمای بزرگی چون آیت‌الله نائینی و زیرسازی‌های فکری ـ سیاسی آنها، تأثیرات شگرفی در آزادی‌خواهی‌های اسلامی مردم داشته است.

نائینی برای فقهای شیعه نقش مهم سیاسی قائل است و همین طرزفکـر او در مـتمم قـانون اساسـی مشروطیت، خود را نشان داده است، او صرفاً به یک بخش از وظایف فقها که متمرکز در امور حسبیه است را کافی نمی‌داند. چراکه در عصر تسلط استبداد و حضور فعال استعمارگران و قدرت‌هـای خـارجی کـه بـا ترفندها و نیروهای نظامی در کشور حضور دارند و بجای ملت و شریعت آنان، دولت تعیین کرده و تصمیم می‌گیرند و از کوچکترین کار این ملت غافل نیستند و نظر و طرح‌های آنان بالاترین طـرح‌هـای اجرایـی است این وظیفه محدود، کافی نیست و مانع نقش‌آفرینی فقها می‌شـود و اگـر آنـان نُـوّاب عـام حضـرت ولی‌عصر هستند، با این بی‌اقتداری و حیطه محدود وظایف نمی‌توانند کشور و ملـت را از خطـرات مصـون دارند و آزادی و امنیت و نظم را در کشور توسعه دهند و حکومت دلخواه ملت و اسلام را مستقر سازند.

ازآنجایی‌که شارع اسلام از بی‌نظمی و خلل در ارکان جامعه اسلامی و از بین رفتن کیان اسلام رضایت ندارد و به همین لحاظ آنان که فقیه و عالم دین هستند و طبق روایات موثق نایبان امام عصرﷺ به حساب می‌آیند، به‌طور طبیعی مسئولیت امور حسبیه را به‌عهده دارند چون نسبت به دیگران از علم، عمل، آگاهی و صداقت بیشتری برخوردارند و دخالت آنان باعث سروسامان دادن به‌کار ملت می‌گردد. نائینی می‌گوید انجام این وظایف برای فقها از مسلمات و قطعیات مذهب ماست. از طرفی باید گفت که اگر شارع طرف‌دار نظم و قانون و امنیت جامعه اسلامی است، وجود استبداد طولانی بر سرنوشت ملت مسلمان بر بی‌نظمی و عـدم امنیت افزوده است و غل زنجیر بردگی بر گردن‌های ملت شریف انداخته است. پس فقها نقش بیشتری را بالتبع به‌عهده می‌گیرند، که چون ریشه استبداد را قطع نمایند، جامعه به نظم و قانون گـرایش مـی‌یابـد و

شارع مقدس به اهداف خود که اهداف و خواست مؤمنین است خواهد رسید.

پس به این نتیجه می‌رسیم که وظائف فقهاء در عصر غیبت نمی‌تواند منحصر در چارچوب موارد خاص و تعیین شده امور حسبیه باشد. که آیت‌الله نائینی در تلاش بود در مقطع زمانی اول، ابتدا مشروطیت تثبیت و در مقطع دوم، با تشکیل حکومت اسلامی ولی‌فقیه تحقق یابد. وی اتحاد ملل اسلامی و وحدت مذاهب اسلامی را مایه عزت و پیشرفت مسلمانان می‌دانست.

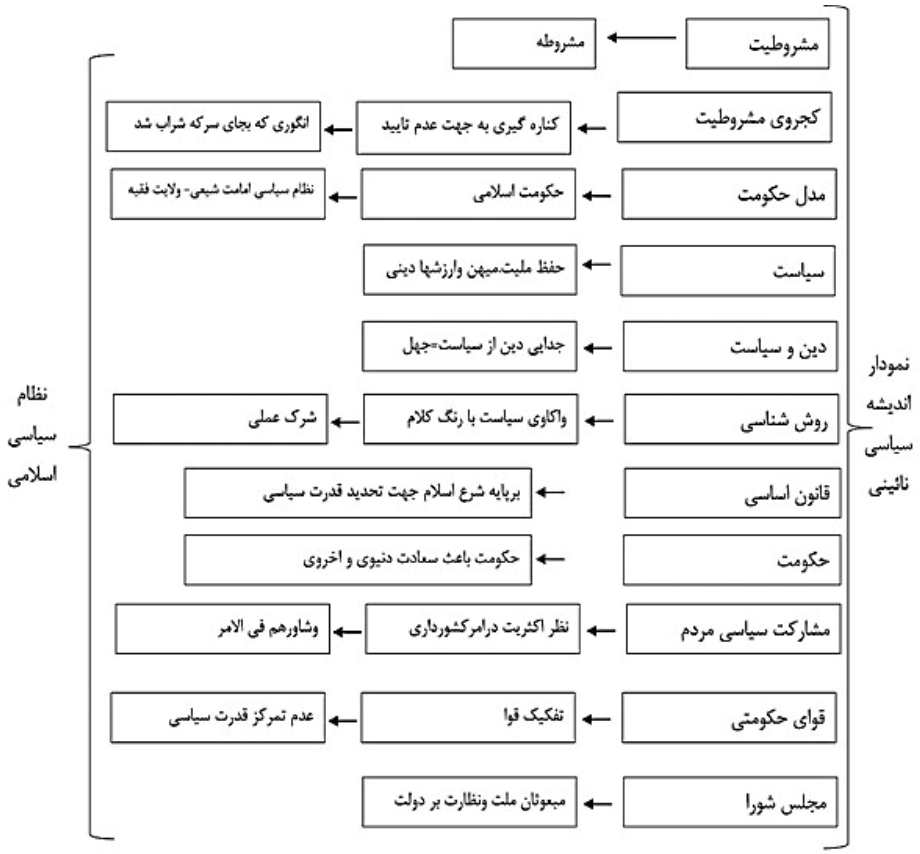

مدل مطلوب حکومتی آیت الله نائینی

منابع و مآخذ

۱. آدمیت، فریدون، ۱۳۸۸، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، ج ۱، تهران، پیام، چ ۲.

۲. آل‌احمد، جلال، ۱۳۸٦، *در خدمت و خیانت روشنفکران*، ج ۲، تهران، فردوس، چ ۵.

۳. اسماعیلی، اسماعیل، ۱۳۷۵، «نائینی در برابر استبداد»، *مجله حوزه*، شماره ۷۷ ـ ۷٦، ص ۳۲۱ ـ ۲۸۱.

٤. بصیرت‌منش، حمید، ۱۳۷٦، ***علما و رژیم رضاشاه***، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چ ۱.
٥. تسکین‌دوست، محمدنقی، ۱۳۸۱، ***مشروطیت از منظر علامه نائینی***، تهران، امیرکبیر، چ ۲.
٦. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۸، ***اندیشه سیاسی امام خمینی***، تهران، نشر پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چ ۲.
۷. حائری، عبدالهادی، ۱۳٦۰، ***تشیع و مشروطیت در ایران***، تهران، امیرکبیر، چ۲.
۸. ذبیح‌زاده، علی‌نقی، ۱۳۸۱، «مواضع آیت‌الله نائینی در جریان مشروطیت و حوادث پس از آن»، ***فصلنامه معرفت***، شماره ٥۲.
۹. شاهدی، مظفر، ۱۳۸٥، «صعود رضاخان و سقوط قاجار»، ***ماهنامه دوران***، شماره ۱۲، ص ۲۳٥ ـ ۱۷٤.
۱۰. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۷٦، ***فقهای نامدار شیعه***، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چ ۱.
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۲، ج ۲، ***فقه سیاسی***، تهران، امیرکبیر، چ ۱.
۱۲. عنایت، حمید، ۱۳٦۳، ***در حاشیه برخورد آرا در انقلاب مشروطیت***، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱۳. عنایت، حمید، ۱۳٦۳، ***سیری در اندیشه سیاسی عرب***، تهران، امیرکبیر، چ ۲.
۱٤. عنایت، حمید، ۱۳۷۱، ***اندیشه سیاسی در اسلام معاصر***، تهران، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، خوارزمی، چ ۳.
۱٥. کرمانی، ناظم‌الاسلام، ۱۳٤۹، ***تاریخ بیداری ایرانیان***، ج ۲ ـ ۱، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران.
۱٦. کسروی، سید احمد، ۱۳٦۳، ***تاریخ مشروطه ایران***، ج ۱، تهران، امیرکبیر، چ ۱٦.
۱۷. مدرس خیابانی تبریزی، محمدعلی، ۱۳۷٤، ***ریحانة الادب***، تهران، خیام، چ ٤.
۱۸. مستعان، حمیدرضا، ۱۳٥٥، ***حکومت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله نائینی***، تهران، نشر کامل، چ ۱.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، ***نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر***، تهران، صدرا، چ ۳۸.
۲۰. ملک‌زاده، مهدی، ۱۳٦۳، ***تاریخ انقلاب مشروطیت ایران***، ج ۳، تهران، علمی، چ ۳.
۲۱. نائینی، محمدحسین، ۱۳٥۸، ***تنبیه الامه و تنزیه الامه***، با مقدمه سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۲. نائینی، محمدحسین، ۱۳۸۷ الف، ***تنبیه الامة و تنزیله الملة***، تهران، انتشارات مرکز انقلاب اسلامی.
۲۳. نائینی، محمدحسین، ۱۳۸۷ ب، ***تنبیه الامة و تنزیه الملة*** (مقدمه، تصحیح، ویراستاری، شرح و تعلیق روح‌الله حسینیان)، تهران، انتشارات مرکز انقلاب اسلامی.
۲٤. هدایت، مهدی قلی خان، ۱۳٦۳، ***طلوع مشروطیت***، تهران، پیام، چ ۱.